

جستاری بر ویژگی‌های معماری ایرانی - اسلامی و هنرهای قدسی مبتنی بر تعالی معماری

جمال‌الدین مهدی‌نژاد^۱

محمدصادق طاهر طلوع دل^۲

حمیدرضا عظمتی^۳

علی صادقی حبیب‌آباد*^۴

« فِی بُیُوتِ اٰدَمَ الَّذِیْ اُنْزِلَ اِلَیْهِ الرُّسُلُ وَ یُذْکَرُ فِیْهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیْهَا بِالْعُدُوِّ وَ الْاَصَالِ »

(نور: ۳۶)

چکیده

معماری از جنس «حکمت» است. معماری خالق مکان قدسی در طول هزاره‌ها بوده و معمار سعی بر آن داشته به وسیله آن نوعی تجلی حقیقت را بر روی کره‌خاکی بنا نهد. امر قدسی حکایت از تجلی عوالم برتر در ساحت‌های نفسانی و مادی هستی است. منبع الهام امر قدسی، عالم حقیقت است که فوق ساحت روانی یا عالم نفس قرار دارد. از آنجا که معماری قدسی از ساحت معنا به وجود می‌آید؛ هنری معنوی است. چندی است که پژوهش در باب هنر معنوی و در پی آن معماری قدسی از سوی اندیشه‌ورانی چون: نصر، بورکهارت و... دنبال شده که حاکی از اهمیت این امر مقدس در زمینه معماری است. معماری ایرانی-اسلامی دو اصل هنر و رفتار توأم با معنویت را در خود جای داده است که بخش دوم به مراتب بالاتر و حائز اهمیت است. روش تحقیق در این نوشتار از سویی در عرصه عظیم روش کیفی با کاربست استدلال منطقی گنجانده می‌شود و از سمتی دیگر، در چارچوب تشریحی محدود می‌شود. هدف پژوهش نحیف در دست، در راستای بررسی جایگاه امر قدسی در معماری و مرور اندیشه‌ها در کالبد بناهای شکوهمند گذشته ایرانی-اسلامی؛ همچنین بازخوانی اهمیت اخلاق توأم با معنویت در معماری اسلامی، به رشته تحریر درآمده است. می‌توان گفت که درک رابطه میان ذات و ماهیت هر پدیده، اساسی‌ترین لازمه آشنایی یا درک معماری اسلامی می‌باشد و این درک نیازمند آمادگی روحی خاصی است؛ و اگر کسی بسیار اهل تأمل همراه با اخلاق معنوی باشد، از راز عمیق وجود آگاه خواهد شد.

کلمات کلیدی: ویژگی معماری ایرانی - اسلامی، هنرهای قدسی، اخلاق معنوی، تعالی معماری.

^۱ دانشیار گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، ایران. j_mahdinejad@yahoo.com

^۲ استادیار گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، ایران. msttd@srutu.edu

^۳ دانشیار گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، ایران. azemati@yahoo.com

^۴ دانشجوی دکتری معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، ایران، نویسنده مسئول

tcs90@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۲۳

۱. مقدمه

در جامعه اسلامی، انسان جانشین خدا بر روی زمین است (فاطر: ۳۹) که بر بسیاری مخلوقات برتری دارد (اسراء: ۷۰) و این جهان به عنوان مکانی برای زندگی او واقع شده (نمل: ۶۱) همچنین از آنجا که هدف زندگی انسان جهت شکوفایی کمال نهفته در وجود خود؛ برای دستیابی به جهان حقیقت است (مؤمن: ۳۹) و این زمین به عنوان وسیله‌ای جهت صلاحیت یافتن انسان جهت آمادگی به حیات جاوید است (بقره: ۳۶) این ضرورت پیش می‌آید که انسان؛ محیط و معماری (مسکن، فضا) خود را با فرهنگ دینی و معنوی برقرار نمایند همان‌گونه که این ارتباط به وسیله هنر قدسی و معنوی در معماری گذشته ایرانی اسلامی آمیخته شده است. ایران کانون تمدن اسلام به ویژه هنر اسلامی بوده است و مبانی هنر قدسی اسلام را می‌توان در این مرز و بوم جست‌وجو کرد. برای درک هنر قدسی، باید معنای «امر قدسی» و نیز معنای «هنر» را درک کرد؛ همان هنری که امروز از زندگی بشر رو به فراموشی سپرده شده و به انزوای موزه‌ها و قاب‌عکس‌ها منتهی شده است. البته منشأ صدور امر قدسی، عالم حقیقت است که فوق عالم مادی است و نباید با آن اشتباه شود. هنر اسلام دارای گنجینه ارزشمندی از مفاهیم عمیق عرفانی و حکمت الهی است. زیرا این هنر ریشه در بنیان‌های عمیق تفکری معنوی و حقیقی دارد. این هنر، گاه با رمزپردازی و تزئینات وارد معماری قدسی می‌شود و معماری را استعلایی می‌کند و هنری معنوی است. زیرا معماری قدسی از ساحت معنا وجود می‌یابد. چندی است که پژوهش در باب معماری قدسی و به طور کلی هنر معنوی از سوی اندیشمندانی چون نصر، بورکهارت و ... دنبال شده و هنوز هم جای کار بسیار دارد. هنر قدسی از سرچشمه روحانی مذهبی خاص الهام می‌گیرد و در نبوغ آن سهیم است زبان رمزی این هنر با قالب مذهب مزبور پیوند دارد؛ بنابراین، معماری قدسی و اصیل آن است که با تکیه بر اصول معماری معنوی بتواند فضای مادی و معنوی را به گونه‌ای فراهم کند که از خلوص، تعادل، صمیمیت و آرامش برخوردار باشد (آیوازیان، ۱۳۷۶، ص ۴۴).

مهم‌ترین نکته در هنر و زیبایی‌شناسی فهم این است که مخاطب اثر و خالق (معمار) اثر را بشناسیم که در هر دو طرف انسان مراد ماست. زیرا هنر اسلامی از دو وجه هنر و اخلاق توأم با معنویت حاصل می‌گردد و توجه به بخش دوم مسئله‌ای مهم تلقی می‌شود که ضرورت دارد در دانشکده‌های معماری و آموزش معماری بدان توجه ویژه گردد.

بارزترین تجلی‌گاه معنویت و هویت استعلایی انسانی را می‌توان در لایه‌های پنهانی هنر قدسی بررسی کرد؛ هنری که در آن، تمامی وجود انسان، در فرایند کشف حقیقت، در جنب و جوش قرار دارد. راز و رمز «هنر قدسی» در همان حکمت، معنویت و حقیقت نهایی آن خلاصه می‌شود که در کالبد معماری به شهود و بروز رسیده است. این هنر، خلق شده از ذوق و شغف ناشی از میل باطنی انسان به جاودانگی و نزدیکی به حق تعالی (حقیقت) است؛ هنری که در نتیجه زیبایی، قداست، پاکیزگی، استعلاء و عروج ناشی از فرایند طی طریق به سوی عالم حقیقی (نور) و جهان مفاهیم (حقیقت)، شکل یافته است. هنر باید در مسیر مانند

اسفار اربعه صدرالمتألهین قرار گیرد تا انسان را از صورت‌های مختلف به سمت ابداع و خلاقیتی ببرد که مبنای آن صفات نیکو چون «حسن» به خود گیرد. هدف از آفرینش انسان در این جهان؛ رسیدن کمال و اتصال به حقیقت (مشرق الانوار) است. این هدف در زندگی و معماری او تجلی پیدا کرده و بیش از آنکه مکانی برای زندگی او باشد؛ هدف آن خلق فضایی جهت برقراری ارتباط با مقصود است.

۲. پیشینه پژوهشی هنرهای قدسی

در زمینه هنر و هنر معنوی پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گرفته و از ابعاد گوناگون به آن نگرین شده است، چنانچه تیتوس بوركهارت تألیفات عمده در زمینه هنر از جمله: هنر مقدس، آینه خرد، رمزپردازی و همچنین تألیف دو اثر مهم تصوف: مقدمه‌ای بر اصول عرفانی اسلام و نیز کیمیا: علم عالم، علم نفس به بررسی جنبه‌های هنر مقدس و معماری اسلامی پرداخته است، همچنین استاد حسین زمرشیدی در کتاب خود تحت عنوان هنرهای قدسی به بررسی کالبدی ارزش‌های معماری گذشته اشاره و همچنین آفرینش‌های هنر قدسی از انواع خط بنایی، در آثار معماری اسلامی به بررسی سلسله‌مراتب هنر مقدس در معماری اسلامی به طور خاص پرداخته و جایگاه اصل نقوش اسلامی را در هنر و معماری اسلامی ایرانی مورد تحقیق قرار داده است. از دیگر پژوهش‌های مهم در این زمینه؛ وجود پژوهش‌های استاد سید حسین نصر با عنوان «ارتباط هنر و معنویت اسلامی» و استاد نقره‌کار با عنوان «نسبت مکتب اسلام با فلسفه هنر و زیبایی و آثار هنری» از دیگر منابع مفید در زمینه ارتباط هنر و معنویت می‌باشد.

۳. ضرورت و اهمیت هنر قدسی

امروزه معماری سنتی گذشته به دلیل علاقمندی افراد و یا شاید سردرگمی جامعه؛ به سبک زندگی مدرن رو به فراموشی رفته و این در حالی است که به باور و اعتقاد نسل قدیم، زندگی در فضای معماری سنتی از لحاظ روان‌شناسی محیطی؛ آرامش و آسایشی عمیق را به همراه داشته است. هنر معماری ایرانی - اسلامی یکی از شاخصه‌هایی است که معرفی و ترسیم چهره آن در جهت حفظ و احیای ارزش‌ها و فرهنگ معماری اصیل ایرانی در دنیای مدرن امروزی؛ که نسل حاضر تجربه درک در محیطی آرام و آکنده از حس خوب زیبایی معماری ارزشمند سنتی را ندارند، مهم تلقی می‌گردد.

هنر قدسی پدیده‌ای است که از دیرباز نقشی مهمی در زندگی انسان داشته و دارد. تأثیر این موضوع چنان بوده است که همراه بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان در ادیان و مکاتب مختلف از آن به عنوان ابزاری موثر در پیشبرد ترویج و حفظ اندیشه‌ها داشته است. از دیگر کارهای هنر مقدس این است که دوست داشتن زندگی را به انسان می‌فهماند و «زندگی با صفا توأم با کمال» را به او نشان می‌دهد و او را به واسطه قدسی بودن آن؛ به جهانی متعالی رهسپار می‌سازد. اگر انسان به واسطه حضور در عالم و کنش

معرفتی ای که نسبت به خویش و شأنیت وجودی‌اش دارد، از سایر موجودات ممتاز شده، این امتیاز و تمایز در ساحت هنری است که کیفیت استعلایی‌اش را در متعالی‌ترین وجه، در آثار هنری به ظهور می‌رساند.

۴. روش تحقیق

در تمامی پژوهش‌ها دو گونه کمی و کیفی مراحل کار را پیش می‌برد؛ و این در حالی است که در بخش اول به سبب قیاس و بدون دخالت آرای پژوهشگر قابل حصول است و دیگری با حرکت قیاسی محتوا را آشکار می‌سازد همان‌گونه که استوارت چپین چهار دسته را برای انجام پژوهش معرفی می‌کند که عبارت‌اند از: تشریحی که پیرامون عمق درونی موضوع می‌گردد، توصیفی که به شکل بیرونی موضوع نظر دارد، شبیه‌سازی که مانند نمونه‌ای مفهومی عمل می‌نماید و مقایسه‌ای که به واسطه معیارهای از پیش تعریف‌شده در موضوع پژوهش ارزیابی می‌گردد (اسلامی، ۱۳۹۲، ص ۴۱-۵۵) با توجه به مطالب ذکر شده این پژوهش؛ از نوع راهبرد ترکیبی بهره برده و راهبر آن روش کیفی و احتجاجات آن استنتاجی‌اند به عبارت دیگر: نگارندگان با تفحص و تحقیق در اصل هنرهای قدسی با توجه به کتب موجود به جمع‌آوری مستندات براساس مرور مطالعات کتابخانه‌ای پرداخته و پس از مصاحب با افراد صاحب‌نظر در این حیطه، به صورت کاربست استدلال منطقی به شناخت این هنر مقدس و معنوی پرداخته و مقصود این تصنیف ساده، پرواز در هنرهای استعلایی معماری ایرانی-اسلامی‌ست که در نمودار شماره ۱ به صورت کلی به نمایش درآمده است:



نمودار ۱: ساختار پژوهش «طرح و ترسیم: نگارندگان»

۵. چارچوب نظری

۵-۱. فلسفه زیبایی‌شناسی

واژه زیبایی‌شناسی برگردان فارسی واژه Aesthetic است (هاشم‌نژاد و نعمتی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸). این واژه نخستین بار توسط الکساندر بومگارتن در قرن هجدهم بکار رفت (Coldman, 2008, P 255). از سوی فیلسوفان و متفکران عرصه زیبایی‌شناسی تعاریف گوناگونی برای این اصطلاح ارائه شده است. از جمله: «شاخه‌ای از فلسفه است که در باره ماهیت زیبایی بحث می‌کند (Budd, 2007, P 34) زیبایی‌شناسی همان فلسفه هنر است (Langfeld, 1920, P 28).

از دیدگاه شهید مطهری هنر نوعی زیبایی است (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۴۹۷) و گرایشی است در روح انسان (همان، ص ۵۱۰). شهید مطهری زیبایی را تعریف‌ناشدنی می‌داند؛ ایشان در باب فصاحت که از مقاله زیبایی است، علما می‌گویند فصاحت را در حقیقت نمی‌شود تعریف کرد (مما یدرک ولا یوصف است)، یعنی درک می‌شود اما توصیف نمی‌شود و ما در دنیا خیلی چیزها داریم که انسان، وجودش را درک می‌کند ولی نمی‌تواند آن را تعریف کند «زیبایی» از همین قبیل است (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۹۸)؛ مانند هنرهای قدسی و حس معنویت که در بناهای سنتی گذشته و بخصوص مساجد اسلامی درک می‌شود اما قابل تعریف نیست و بهتر آن است به جای تعریف، به آثار و نتایج آن توجه کنیم. هر آنچه در انسان، عشق و شوق تولید کند و انسان را به سوی خودش بکشاند و تحسین و آفرین و تقدیس آدمی را جلب بکند «زیبایی» است (همان، ص ۳۰۴).

به نظر استاد مطهری، چیستی زیبایی، همانند چیستی هنر بر کسی شناخته‌شده نیست و به آسانی نمی‌توان به تعریف آن دست یافت. دلیلی که ایشان مطرح می‌کنند، این است که ما نمی‌دانیم جنس و فصل زیبایی کدام است؟ و یا داخل در چه مقوله‌ای است؟ آیا داخل در مقوله (کم) است؟ یا داخل در مقوله (کیف)؟ داخل در مقوله اضافه است یا مقوله (انفعال) آیا جزو (جوهر) است یا (عرض)؟ یا از نظر فرمولی و عینی زیبایی از چه چیزی ساخته می‌شود؟ آیا برای زیبایی هم می‌توان فرمولی تعیین و ارائه کرد، همان‌گونه که در شیمی برای امور مادی فرمول‌هایی معین می‌کنند، یا خیر؟ ایشان، یادآور می‌شود: این‌ها پرسش‌هایی است که هنوز کسی به آن‌ها پاسخ نداده است. به عقیده بعضی در اصل این پرسش‌ها، پاسخ ندارند. به اعتبار این که در میان حقایق عالم، عالی‌ترین حقیقت، حقیقتی است که درباره آن چیستی صحیح نیست (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۵۱).

این سخن شهید، ما را ناخودآگاه به یاد سخن (هردر) درباره رابطه زیبایی و حقیقت می‌اندازد. او می‌گوید: «هر آنچه زیباست، مبتنی بر حقیقت است. هر چیز زیبا، باید به خیر و حقیقت راه برد.»

صدرالمتالهین از «جمال رب العالمین» (ملاصدرا، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۱۱۱) سخن می‌گوید که انسان‌ها نسبت به آن شوق و گرایش پیدا می‌کنند و عاشق او می‌شوند؛ در نظر وی زیبایی خداوند در حد کمال است، لذا همه‌ی افراد عاشقانه برای رسیدن به سرچشمه‌ی زیبایی در تلاش‌اند؛ چنان‌که وی در باب جمال الهی

می‌گوید: «فان جمال الصفة لا يضاف الا الى صانعه لا الى الصنعة، فجمال العالم جمال الله و صور جمال انتهى» (ملاصدرا، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۱۸۲) لذا از نظر ملاصدرا جمال و زیبایی خداوند و زیبایی عالم به عنوان فعل هنری و زیبای خداوندی امری مضاف بر ذات او نیست، بلکه فیضانی از سوی اوست؛ در واقع حقیقتی که در عالم واقع است، مصداق مفاهیم وجود، علم، قدرت، حیات، کمال و زیبایی است. (اکبری، ۱۳۸۴، ص ۹۵).

و اما طبق دیگر مکاتب؛ زیبایی، مربوط به روح زیباست نه این که کار، فی حد ذاته، زیبا باشد (گنجور و امامی‌جمعه، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶-۱۲۵) یا به عبارتی دیگر اگر کار، زیباست به تبع روح زیباست؛ و به بیان دیگر در کالبد معماری، اگر معماری زیباست به تبع روح زیبای معمار و اخلاق توأم با معنویت معمار است که نتیجه کار او زیبا و سرشار از هنر قدسی است. استاد مطهری می‌نویسد: «روح زیباست و کار، زیبایی خودش را از روح کسب می‌کند و این نظر، مربوط به افلاطون است» (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۱۱۰) و در ادامه زیبایی قلبی از تمام گونه‌های زیبایی عمیق‌تر و پایدارتر است؛ در حقیقت عمیق‌ترین معنای زیبایی، در قلب مشاهده می‌شود (گنجور و امامی‌جمعه، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶-۱۲۵). به قول سعدی:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
عاشق بر همه عالم که همه عالم از اوست^۱

۵-۲. هنر

هربرت رید (Herbert Read)، هنر را «کوششی برای آفرینش صور لذتبخش» تلقی می‌کند (رید، ۱۳۵۱، ص ۲). امام خمینی (ره) می‌فرماید: «هنر آن است که بی‌هیاهوهای سیاسی و خودنماییهای شیطانی برای خدا به جهاد برخیزد و خود را فدای هدف کند نه هوی، و این هنر مردان خداست.» (خمینی، ۱۳۶۱، ص ۴۷۸). علامه جعفری در تعریف هنر می‌گوید: «هنر یکی از نمونها و جلوه‌های بسیار شگفت‌انگیز سازنده حیات بشری است و نمود هنری جایگاه تلاقی روحی بزرگ که دارای نبوغ هنری است با دیگر ارواح انسانهاست و این تلاقی باید هم برای روح بزرگ هنرمند مفید باشد و هم برای ارواح تماشاگر.» (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۱۳-۱۶).

به نظر بورکهارت هنری مقدس است که حکایت‌کننده رموز الهی و بازتاب رمزی و کنایی صنع الهی باشد. بنابراین یک مضمون دینی که واجد پرداختی رئالیستی است، مثل هنر رنسانس، نمی‌تواند هنری مقدس و دینی نامیده شود. زیرا فاقد آن رمز گرایی و کنایات خاص سبک‌شناختی است که هنر دینی را معنا بخشد. در حقیقت هنر دینی تجربه‌ای زیباشناختی از امر متعال و قدسی است و امر قدسی از ساحتی فراتر از ماده و آسمانی صادر می‌شود (ره‌نورد، ۱۳۸۴، ص ۱۵-۱۸).

۵-۳. هنر قدسی

هنر مقدس در قلب هنر سنتی نهفته است و مستقیماً با حقیقت و رمزپردازی الهی سر و کار دارد. هنر قدسی مستلزم اعمال و آداب عبادی و آیینی و جوانب علمی و اجرایی راه‌های متحقق شدن به حقایق معنوی در آغوش سنت است (نصر، ۱۳۸۱، ص ۴۹۴). در معماری قدسی، هنر قدسی نقش اساسی ایفا می‌نماید و کالبد معماری را با ذات نهانی پیوند می‌دهد. از منظر جهان‌بینی قدسی، در هر چیزی معنایی نهان و مستتر است و مکمل هر صورت خارجی واقعیتی است که ذات نهانی و درونی آن را شکل می‌دهد و جنبه‌ای کیفی است (اردلان، ۱۳۸۰، ص ۵) بر این اساس معماری اسلامی همواره می‌کوشد با کمک هنرهای قدسی به کشف راز و رمزهای نهانی و با بهره‌گیری از بیان نمادین و رمزگونه با ندیای حقیقی ارتباط برقرار نماید؛ برخی از ارزش‌های کلی که با بهره‌گیری از آن به این امر مقدس دست‌یافته‌اند؛ به صورت مختصر بیان شده است:

- ✓ نظام طبیعت و الهام از آن
- ✓ وجود و یگانگی (حضور حقیقت در کالبد معماری)
- ✓ اشکال هندسی با زبان نمادین
- ✓ ابداع و نوآوری

۵-۴. هنر اسلامی

هنر اسلامی مکاشفه‌ای است از صور گوناگون هستی تا «حقیقت این صور» را در قالب کلام، موسیقی، تصویر، حجم و معماری به تجسم و نمایش گذارد و در روند این مکاشفه، حیات فردی و جمعی انسانی را برتر آورد تا آن حد که به غربت انسان پایان بخشد و قرب به آن یگانه برتر را میسر سازد (ره‌نورد، ۱۳۷۸، ص ۴۰). هنر اسلامی، برگرفته از دستورات دینی و کتاب مقدس قرآن بدست آمده است. مبنای اصلی این تفکر اعتقاد به کامل بودن قرآن است و می‌گویند: انسان تمام نیازهای خود را می‌تواند در قرآن بیابد چنانچه کارل جی دوری، می‌گوید «هنر اسلامی در زمینه‌های گوناگون، دارای پایگاهی والا و چشمگیر بوده و منشاء فعالیت مسلمانان در جهان است و مایه ربط هنرمند با هنرش اصولاً توحید می‌باشد و هنرمند مسلمان تنها از یک منبع گرانقدر بهره می‌گیرد و آن قرآن است» (دوری، ۱۳۶۸، ص ۳). به اعتقاد بورکهارت هنر دینی پیوندی دوسویه بین دو جهان مادی (زمین) و غیرمادی (آسمان) برقرار می‌کند. بورکهارت با تدوین مبانی هنر مقدس و انطباق آن به حقیقت روحانی‌ای که از آن نشئت گرفته توجه کرده و با تأکید به رابطه سنت و هنر مقدس، سنت را واجد قوه‌ای سری می‌بیند که بر هنر هر تمدنی حتی صنایع و حرفه‌هایی که خصیصه قدسی ندارند اثر می‌گذارد^۴ (سرتیبی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۹۱ - ۱۰۰).

افلاطون می‌گوید: «در هنر، فرد از ظاهر و تن عبور می‌کند و به مرحله دریافت شهود و زیبایی حقیقی که فوق جسم و ظاهر است، دست می‌یابد» (افلاطون، ۱۳۳۷). «هنر اسلامی تجربه‌ای زیبایی‌شناختی از وحدت

و کثرت‌های جهان است که در این تجربه، کلیه کثرت‌ها در حورزه نظمی بدیع به وحدت تبدیل می‌شوند» (رهنورد، ۱۳۷۸، ص ۲۳). هنر اسلامی به صورتی است که انسان را باری می‌کند که از کثرت تشویش‌ها رها و به آرامش وحدت بازگردد (همان).

هنر اسلامی، نتیجه تجلی وحدت در ساحت کثرت است و این هنر به شیوه‌ای خیره‌کننده، وحدت اصلی الهی، وابستگی همه چیز به خدای یگانه، فناپذیری جهان و کیفیات مثبت وجود عالم هستی یا آفرینش را نشان می‌دهد.^۵ این همان خلقتی است که در سوره مبارکه آل عمران؛ «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» ترجمه: «پروردگارا، این (دستگاه عظیم) را بیهوده نیافریدی، تو (از کار بیهوده و باطل) منزه‌ای، (و لا بد برای هدف والای تکلیف ذوی العقول و حصول استحقاق ثواب و عقاب در دنیا و فعلیت آن در آخرت است) پس ما را از عذاب آتش نگاه دار (ترجمه آیت الله مشکینی)» آیه ۱۹۱؛ بدان اشاره شده است. تفکر اسلامی میان حکمت و هنر پیوندی را بیان می‌کند؛ از دیدگاه اسلام، هنر اساساً بر حکمت یا علم مبتنی است و علم چیزی جز ودیعه صورت بسته و بیان‌شده حکمت نیست (بورکه‌هارت، ۱۳۴۷، ص ۸۶). از این رو معماری از جنس حکمت است و تنها دانشی که می‌تواند هنر اسلامی (هنر قدسی) را درک کندو بیان نماید؛ حکمت است. کلیه مفاهیم از قبیل: تزئینات، فرم و کارکردهای فیزیکی و عملکردی و خصوصیات ظاهری و باطنی اجزاء مساجد اسلامی هم از لحاظ شکلی (مادی) و هم از لحاظ باطنی (معنوی) سرشار از حکمت و در نتیجه تجلی وحدت در ساحت کثرت خواهد گردید.

۵-۵. اخلاق توأم با معنویت در معماری

واژه اخلاق در فرهنگ لغات عمید خوی‌ها، جمع خلق، خوی، طبع، سنجیه و عادت معنا شده است (عمید، ۱۳۵۹، ص ۹۹). مطالعه متون تاریخی می‌توان به این نکته پی برد که فلسفه اخلاق در طول تاریخ بر اثر دگرگونی‌های حیات اجتماعی تعاریف گوناگونی را به خود پذیرفته است (مک‌این‌تایر، ۱۳۷۹، ص ۱۶). از دیدگاه ایمانوئل کانت (Immanuel Kant) (۱۳۶۹، ص ۲۳) فلسفه اخلاق بر همه موجودات تکالیف قطعی و بدون قید و شرط را تحمیل می‌کنند که بدون توجه به تمایلات، منافع انسان الزام‌آورند. از دیدگاه اسلام هدف از اخلاق، افزایش مراتب و درجات قلب انسان است تا او را از شایستگی لازم برای تقرب به خدا بهره‌مند سازد (پورمند و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵۹-۸۸) در این راستا اسلام اخلاق را مجموعه‌ای از مواظبت نمی‌داند، بلکه آن را نوعی سازندگی روحی و معنوی می‌داند که در سایه ایمان و بصیرت امکان‌پذیر است و موجب همسویی بینش و عمل او می‌شود (سادات، ۱۳۸۲، ص ۱۷). چنان‌چه در معماری ارزشمند گذشته بخصوص مساجد اسلامی نمود اخلاق توأم با معنویت؛ هنرهای قدسی و معنوی ارزشمندی را هویدا ساخته و معمار با رجعت به درون، بخشی از وجود خود را به نمایش گذاشته است. در پژوهشی با عنوان «بررسی اخلاق در معماری سنتی کویری» (پورمند و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵۹-۸۸) جایگاه اخلاق در حوزه معماری را می‌توان در سه حوزه وحدانیت، انسانیت و طبیعت نام برد یا به عبارتی دیگر نمود آن را می‌توان از طرفی

در توجه به سه اصل خدا محوری، انسان محوری و بوم محوری مشاهده نمود؛ چنانکه از طرفی به بیان تأثیر منش سازندگان بر فرآیند ساخت و از طرف دیگر به ارتباط بین ماهیت بنا و نحوه زندگی کاربر پرداخته می‌شود؛ در نمودار شماره ۲ این نمود به صورت کلی به نمایش درآمده است:



نمودار ۲: مراحل سه‌گانه ارزش‌های اخلاقی جهت هم‌راستا شدن با هنرهای قدسی

«طرح و ترسیم: نگارندگان، برگرفته از (پورمند و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۹-۸۸)»

به نظر استاد مطهری، اخلاق مربوط به روح زیباست (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۶۵) و از فلاسفه‌ای که بر این عقیده‌اند: اخلاق از مقوله زیبایی است نقل می‌کند: «باید حس زیبایی را در بشر پرورش داد. بشر اگر زیبایی مکارم اخلاق و اخلاق کریمانه و بزرگووارانه را حس کند، دروغ نمی‌گوید و خیانت نمی‌کند. علت این که بعضی از افراد دروغ گویند این است که زیبایی راستی را درک نکرده‌اند. علت این که بشر خیانت می‌کند، این است که زیبایی امانت داری را درک نکرده است. باید ذوق زیبایی او را پرورش داد تا گذشته از زیباییهای محسوس، زیباییهای معقول و معنوی را هم درک کنند» (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۵۴).

۵-۶. هویت معنوی

انسان موجودی است آگاه، سازنده، مختار با ذاتی مقدس و فطرتی الهی که هر چند «به اندازه‌ترین و زیباترین ساختمان ارگانیک جهان است از لحاظ روحی نیز طبیعت یا خدا، عالی‌ترین ساختمان روانی را در

او به وجود آورده است (شریعتی، ۱۳۵۹، ص ۱۸۰). هویت معنوی چیزی جز تجلی این باور ماورایی که ماهیت رفتاری و بینشی افراد را شکل و فرمی خدایی می‌دهد، نیست که تنها در سایه ایمان به غیب و غنای روحی افرادی حاصل می‌گردد که بر این باورند، زیستن، مردن و تمامی اعمالشان از آن یگانه آفریدگاری است^۲ که بازگشت همه به سوی اوست^۳ (احمدی و صادقی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷). آنان با وقوف به این مهم که آدمی دارای چنان مقام و منزلتی است که «بر خلاف طبیعت، استعداد این را دارد که صفات برجسته خداوند را در وجود خودش بکارد، پرورش دهد، تکامل پیدا کند و با خوی خدا خوی بگیرد» (شریعتی، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

۵-۷. معماری ایرانی - اسلامی

معماری ایران که یکی از غنی‌ترین نمونه‌های معماری بومی با دستاوردهای فرمی و نیارشی قابل‌ذکر در جهان است، در گذر از دوران اسلامی به یکی از نمونه‌های موفق معماری مفهومی، معناگرا و عرفانی بدل شد در عین حال تأثیر کالبد و فرم معماری به عنوان ظرف مکانی که معلولی از فرهنگ جامعه است در بازنمایی این مفاهیم و معانی تأثیر بسزایی دارد (نظیف، ۱۳۹۲، ص ۶۸-۵۷). از ویژگی‌های مهم معماری اسلامی، تزئینات آن است؛ اما نقوش تزئینی به کار گرفته‌شده در معماری اسلامی بیشتر حالت انتزاعی به خود گرفته‌اند؛ به بیان دیگر به صورت رمزپردازی با مخاطبین به صحبت می‌نشیند. از ویژگی‌های بارز معماری اسلامی آن است که توحید را در خود می‌پروراند. زیرا در حکمت اسلامی همه هستی به یک مبدأ واحد که همان حقیقت است بر می‌گردد. در دوران‌های گذشته بخصوص دوران صفویه که تفکر شیعی در جامعه حضوری پررنگ یافت؛ به تاسی از اندیشه اشراقی و بینش عرفانی همه گونه‌های هنر ایرانی متأثر شدند و معماری این دوران با تفکران ارزشمند شیعی شکل گرفته است. هنر و معماری ایرانی اسلامی این دوران، جلوه‌های نمادین از حرکت کثرت جهان بیرون به وحدت در حضور خداوند خود می‌نماید که به خوبی در نظریات ملاصدرا قابل پیگیری است (خاتمی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۸). ملاصدرا مراتب وجود را در سه مرتبه محسوس، متخیل و معقول طبقه‌بندی می‌نماید (ندیمی، ۱۳۷۸، ص ۸). نخستین منازل نفس انسانی، درجه محسوسات و سیر در عوالم اجرام و اجسام و مادیات است... بعد از درجه احساس، درجه خیال و تخیلات و ادراکات خیالی است... و در مرتبه سوم، درجه و مرتبه موهومات است (ملاصدرا، ۱۳۷۵، ص ۴۶۶، ۴۶۹). در معماری سنتی ایران، بروز سلسله‌مراتب در معماری در حریم عرضی با هندسه خطوط مستقیم، منحنی و با اشکال دو بعدی و احجام سه بعدی و در سلسله طولی با فضاهای تهی بی‌شکل که در میان فضاهای هندسی شکل می‌گیرند و به خیال فرصت فراشت و تعالی می‌دهند، رخ می‌دهد (خاتمی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۵).

در آثار فرهنگی و هنری ایرانی اسلامی، شاهد حضوری اندیشه‌های عرفانی (حکمت) و تنوع صور آن نیز هستیم. از نتایج نظریه بنیانی وحدت وجود که توسط ابن عربی و شاگردانش مدون شد، مبحث

سلسله‌مراتب وجود است که در تاریخ حکمت و فلسفه سنتی و اسلامی- ایرانی مورد توجه بسیاری از حکما و فلاسفه بوده است (محمدیان منصور، ۱۳۸۶، ص ۹۱-۱۰۰). در تفکر شیعی در جهان سنتی، تمایزی میان امر طبیعی و فرا طبیعی نمی‌گذارد و تمامی مراتب هستی را در تعامل زنجیروار در هم تنیده به یکدیگر متصل می‌داند. بنابراین تمام جهان شناسی‌های سنتی به طریقی بر این حقیقت اساسی بنیاد نهاده شده‌اند که حقیقت سلسله مراتبی است و عالم منحصر به حلقه فیزیکی و مادی‌اش نیست (نصر، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵).

هنرهای اصیل ایران با آن همه تنوع در صورت، از یک مفهوم (حقیقت) سخن می‌گویند و به معنای مشترک اشاره دارد که بازتابی از باورهای ایرانی-اسلامی است. از جمله جایگاه‌های تجلی نمادها و به ویژه در ایران، هنر معماری است (فرشیدنیک، ۱۳۸۸، ص ۲۵-۹). به طور کلی می‌توان گفت: هنر اسلامی و بخصوص معماری اسلامی مبتنی بر رمز پردازی و زبان تمثیلی هنرمند استوار است.

۶. تجلی هنرهای قدسی در مساجد اسلامی

از منظر جهان‌بینی قدسی، در هر چیزی معنایی نهان و مستتر است و مکمل هر صورت خارجی، واقعیتی است که ذات نهانی و درونی آن را شکل می‌دهد و جنبه‌ای کیفی است (اردلان، ۱۳۸۰، ص ۵). مسجد از آن خداست و به مثابه نمادی آشکار از رحمت الهی‌اش و زبانی نمادین از انگاره‌های معنوی و مذهبی مطرح است (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۷۰-۳۷).

مساجد اسلامی گذشته از حیث رمزپردازی و ارتباط معنایی با عالم حقیقت؛ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. اجزای مختلف مسجد در عین حالی که با یکدیگر در ارتباط معنی‌دار بوده و دارای نظم منطقی می‌باشند خود در مجموعه‌ای بزرگ‌تر دارای سلسله‌مراتب و نظم کلی به عنوان یک مجموعه واحد نیز هستند (حق‌طلب و کاروان، ۱۳۹۱، ص ۲۲). در معماری مساجد قاعده و طرح زیرین بنا، شکلی چهارگوش دارد که متضمن تصور استحکام، استقرار و ایستایی بوده و نمود زمین است که در بالا به شکل مدور گنبد منتهی می‌شود که دایره بوده و نماد آسمان و قداست و عوالم متعال است (حق‌طلب و کاروان، ۱۳۹۱، ص ۲۲)؛ یعنی گذار از زمین به آسمان و از نقص به کمال و از متناهی به نامتناهی (همان).

مسجد به طور طبیعی در جریان ظهور اسلام و تکامل و توسعه آن در بستر زمان شکل گرفت و نظریاتی منعکس شد که متناسب نیازها و شرایط صدر اسلام تبیین‌کننده مباحث اولیه درباره ابعاد مختلف مسجد مانند تبیین و تعریف مسجد، معیارهای ساخت و معماری و فضای آن، شرایط حضور در مسجد، الگوها و هنجارهای رفتاری در مسجد، نقش‌ها، کارکردهای آن و هم چنین جایگاه مسجد در دین اسلام بوده است (فاضلی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۲-۱۰۰). از زمان بنیان‌گذاری مساجد اسلامی توسط نبی اکرم (ص)، نه تنها به صورت شکلی مساجد متحول شده‌اند، بلکه از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز در جریان دگرگونی قرار گرفته و هویتی جدید برای آن‌ها پدید آمده است (مهردوی نژاد، ۱۳۸۹، ص ۷۸-۶۵). در مساجد اسلامی؛ حقیقت

ظاهر و باطن اشیا و نمودی که در قابلیت‌های معنایی، مفهومی و رمزی عناصر سازنده معماری نهفته است، ابزاری را برای پیام‌رسانی مهیا ساخته است (کاظمی و کلانتری خلیل‌آباد، ۱۳۹۰، ص ۴-۳۱) معماران مساجد در دوره اسلامی با اندیشه‌های فرازمینی و اخلاق توأم با معنویت به بهترین وجه در زمینه اندیشه‌های ماورایی سعی بر آن داشتند که محصول خود را در لایه‌های ادراکی معماری و هنری مسلمانان تجلی دهند. اوج اعتلا و شکوفایی هنر معماری مقدس اسلامی را می‌توان در ساحت مساجد جستجو کرد (بمیان و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۷۰-۳۷). مساجد نمونه بارز و آشکار هنر در ساحتی متبرک و مقدس است که از دیرباز نیز بسترساز رویدادهای تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده است (همان). در جدول شماره ۱ برخی از عناصر کالبدی مساجد در دوره‌های مختلف به صورت معنایی مورد بررسی قرار گرفته است که با تأمل در آن می‌توان تأثیرات عمیق رمزپردازی هر دوره را از نظر تأثیر هنرهای قدسی و معنوی در کالبد بنا درک کرد:

۷. معماری قدسی و استعلایی

هنر قدسی مستلزم اعمال و آداب عبادی و آئینی و جوانب علمی و اجرایی راه‌های متحقق شدن به حقایق معنوی در آغوش سنت است (نصر، ۱۳۸۱، ص ۴۹۴) هنری که در آن عالم محسوس بازتاب عالم معنوی است، آن هم نه به خاطر شکل‌های شمایل‌نگارانه، بلکه به واسطه هندسه و وزن، به واسطه اسلیمی‌ها و خوشنویسی که مستقیماً عوالم علوی و در نهایت حقیقت متعالی وحدت الهی را منعکس می‌سازد (بورکهارت، ۱۳۷۲). به دلیل آنکه هنر مقدس بازتاب واقعیات ماورایی عالم صورت است که همه ریشه و اصل آسمانی دارند، زبان از وصف آن عاجز است و به همین دلیل به زبان تمثیل بیان می‌شود رمز فقط عبارتی قراردادی نیست، بلکه مطابق یک قانون هستی صورت نوعی یا رب‌النوع خود را متظاهر می‌کند (بورکهارت، ۱۳۴۷) مانند تزئینات در مساجد دوره اسلامی و حرکت‌هایی که در مقرنس‌ها و مشبک‌ها وجود داشته؛ همه اشاره به رمزی دارد و در اعلاترین اشکال رمزی در بناهای مذهبی مانند مساجد به کاررفته است. (بورکهارت، ۱۳۶۵) کاربرد هندسه‌های مختلف دوبعدی مثل مربع و دایره (شمسه) و اشکال سه بعدی مانند مکعب و کره (گنبد) در معماری اسلامی نماد و تمثیل زمین و آسمان است. جاودانه ساختن معماری در گذشته امری متافیزیک بوده است که معماران آن دوره بدان توجه ویژه داشته‌اند. معماری باید بتواند بامعنا و محتوا؛ پاسخگوی نیازهای زمانی و مکانی باشد (ایوازیان، ۱۳۷۶، ص ۴۴). از نظر دیدگاه هنر قدسی که معماری در ارتباط با ارزش‌هایی از قبیل: عدالت، فرا آگاهی در طراحی فضا و مکان، شرافت دادن به ماده گویی که خود ماده سخن به زبان آورد، ساخت‌وساز بر اساس امری بی‌زمان؛ حامل مفاهیم اخلاقی توأم با معنویت است. ویژگی‌های هنر قدسی در معماری به گونه‌ای بوده که باور به ملکوت و بیان معانی را از طریق هنری انتزاعی (تزئینات، فرم و...) ممکن می‌سازد و این امر انسان از مرحله نفس (مرحله خودآگاه فردی) به مرحله شهودی بی‌زمان و بی‌مکان هدایت می‌کند؛

جدول ۱: بررسی و بازخوانی هنر قدسی در عناصر کالبدی مساجد دوره اسلامی «منبع: نگارندگان»

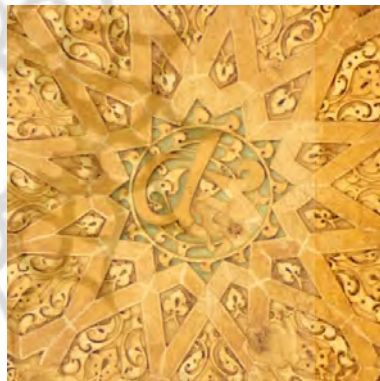
رمزپردازی مقدس در معماری شکوهمند ایرانی-اسلامی	تصاویر	عناصر
<p>شکل ظاهری گنبد به عنوان رمزی از عالم معنوی همواره در گذشته و به اشکال گوناگون در تمدن‌ها وجود داشته است. گنبد به عنوان نمادی از کرة سماوی که روی سطح چهارضلعی قرار می‌گیرد از دو زاویه دید درون و بیرون دارای مفاهیم است که در هر دو حالت یکسان است و این اصل وحدت نامیده می‌شود به عبارت دیگر؛ از دید بیرون حالت گنبد یادآور بصیرت الهی و رو به سوی حقیقت است که همیشه آگاه و ناظر بر تمامی مخلوقات خویش است و از جهتی دیگر بندگان او زیر گنبدی و در نمای داخلی آن قرار می‌گیرند که از دید داخلی همراه با آرایه‌ها و رنگ‌های معماری اسلامی حرکت به سمت مرکز گنبد را یادآوری می‌کند و این ترکیب و تکامل معانی همان اصل جاویدان خلقت یعنی «وحدت» است.</p>	 <p>تصویر شماره ۱: تزئینات نفیس و معماری گنبد قدسی مسجد جامع یزد، ایران «منبع: آرشیو نگارندگان»</p>	<p>تزیینات</p>
<p>اساس و اجرای گنبد زمینه‌ای از مقطع زیرین تا تارک گنبد، حرکت ذاتی و معنوی، بندگی انسان مخلص را به سوی حضرت حق و نقطه او پرستش الهی می‌رساند (سعیدیان و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۵-۴۷). به گفته نصر: شکل گنبد کنایه از جمال و مناره نیز نماد جلال الهی است چرا که قوس ایرانی به سوی بالا حرکت دارد و به سمت آسمان و امر تعالی شعله می‌کشد همچنین گنبد درعین حال که سقفی است که فضای درون را از گرما و سرما حفظ می‌کند، نماد گنبد آسمان و مرکز آن و نماد محور جهان هست که تمام مراتب وجود را در عالم هستی با پروردگار یکتا مربوط می‌سازد (کاظم‌پور و اکبری، ۱۳۹۲، ص ۵)</p>	 <p>تصویر شماره ۲: تزئینات نفیس و معماری گنبد قدسی مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان، ایران «منبع: آرشیو نگارندگان»</p>	

تجسم نمادین شمسه (خورشید) جایگاه مهمی را در هنر گذشته ایران به خود اختصاص داده است. این نقش دارای مفاهیم فراوانی است. شمسه یا خورشید نیز در نزد عرفا و متصوفه اسلامی نماد انوار حاصل از تجلیات الهی و حقیقت نور خدا و ذات احدیت است (سجادی، ۱۳۷۰، ص ۷۷۱) در بعضی از آثار هنر اسلامی از شمسه به عنوان نماد پیامبر هم استفاده شده (خرابی، ۱۳۸۰، ص ۳۱ - ۳۷) همچنین اشاره به وحدت هم دارد (انصاری، ۱۳۴۴، ص ۴۰۶) از آنجا که نور نزد صوفیان به اعتبار ظهور حق، فی نفسه وجود حق است، نقوش ستاره و شمسه در این مجموعه می‌تواند استعاره از همین نور الهی باشد که بنیاد عرفان و حکمت مشرق زمین محسوب می‌شود (لاهیجی، ۱۳۳۷، ص ۵).

معماران و هنرمندان مسلمان در بسیاری از آثار خود مفهوم کثرت در وحدت و وحدت در کثرت را با استفاده از این طرح به زبان رمزی بیان می‌کردند. این نقش در معماری اسلامی به ویژه در نمای مساجد کاربرد گسترده پیدا کرده است، چرا که صورت‌گیری و مجسمه‌سازی و کلاً ترسیم اشکال جاندار مورد تحریم قرار گرفت که مبارزه با بت‌پرستی از ادله در این مورد است (شکاری نیز، ۱۳۷۸، ص ۲۵۲)



تصویر شماره ۳: نقش ستاره پنج پر، متن خط: الله، از نقوش بی‌همتای نمای داخلی گنبد سلطانیه در زنجان، ایران. «منبع: آرشیو نگارندگان»



تصویر شماره ۴: نقش ستاره دوازده پر، متن خط: محمد، از نقوش بی‌همتای نمای داخلی گنبد سلطانیه در زنجان، ایران. «منبع: آرشیو نگارندگان»

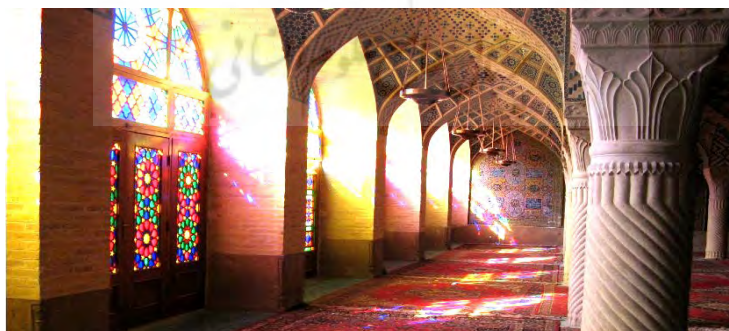
از نظر بزرگوارت؛ اساس معماری محراب در مساجد اسلامی به مظاهر یادشده در فرهنگ دینی و کتاب آسمانی بر می‌گردد. شکل آن با طاق‌های نمودار آسمان و آخرت و کف آن بر زمین طاقچه با فرورفتگی، همانند غار زمین و دنیا است (مددیور، ۱۳۸۷، ص ۲۶۰) کسی می‌تواند این فضای نمادین میان آسمان و زمین را پر کند که رهبری و هدایت مردم را به سوی حقیقت (قبله) و صدایش در فضای محراب پیچیده و به گوش سایرین می‌رسد (موسوی، ۱۳۹۲، ص ۶۸). طی طریقت نیازمند رهبری است که انسان را به راه آشنا کند.



تصویر شماره ۵: تزیینات بی‌همتای محراب اولجایتو در مسجد جامع اصفهان، اصفهان، ایران. «منبع: آرشیو سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان»

محراب

بر این اساس معماری قدسی نه فقط به عنوان سکونت انسان بلکه راه تعالی و رشد انسان در فضای خلق شده را ارتقاء می‌بخشد. زیرا این امر قدسی و هنر مقدس امور متافیزیک را به صورت استعاری و ظریف بیان می‌دارد. در مصاحبه‌ای با استاد مهرداد میلانی؛ برای هنر معماری دو ویژگی مطرح کردند: یکی خلق و دیگری خلاقیت. اگر این خلق و خلاقیت قدسی نیز باشد هنر قدسی است. هنر معماری علاوه بر خلاقیت به هنگام خلق اثر معماری به واسطه این خلق یاد خالق نیز می‌نماید و گاهی در مدت خلق و گاهی پی از خلق و رویت آن، موجبات یادآوری خالق را فراهم می‌کند؛ اما کدامین هنر؟ هنری دارای چنین ویژگی است که از منشأ حقیقت سرچشمه گیرد و نفس هنرمند باخلاق همراه باشد، اما در هنر غیردینی نفس هنرمند دارای استقلال است و متأثر از آن حقایق نیست و به تعبیر دیگر الهامی که به او می‌شود جنبه الهی ندارد (اعوانی، ۱۳۷۵، ص ۳۴۶).



تصویر شماره ۶: تجلی مفاهیم قدسی در معماری استعلائی مسجد نصیرالملک، شیراز، ایران «منبع: آرشیو نگارندگان»

۸. سخن پایانی

صلب واقعیت تجربی و عینی و ملموس از تصاویر و اشیا در هنر اسلامی و ایجاد زمینه‌های رمزی امکان وصول به حقایق متعال و در پی آن حضور و وصل را میسر می‌سازد. زیرا دیگر هیچ عنصری غیر از انسان و خدا باقی نمی‌ماند و گویی در این ارتباط همه اشیا و عناصر زبان باز کرده‌اند که در این وصل و حضور شرکت جویند و در همین سبک و سیاق است که اشکال خاطرۀ تجربی خود را از دست می‌دهند و به صور خیال در یک ترکیب‌بندی خاص تبدیل می‌شوند و آن غرق شدن دسته‌جمعی تمام هستی است و در عرفان تصویری، تزیین که به عنوان یکی از پایه‌های تصویری هنر معماری ارزیابی شده است وسیله یا بیانی تصویری است برای استعلا (شرافت بخشیدن) به ماده، سطح، رنگ، خط، حجم، آجر و گل و گچ و خشت و... تا به افق‌های برتر اعتلا یابند و رنگ و هویت معنایی و نهایتاً شخصیت فوق طبیعی بیابند و معنوی و الهی شوند؛ در نمودار شماره ۳ به بیان مفهومی اخلاق توأم با معنویت و هنر روحانی جهت رسیدن به معماری قدسی پرداخته شده است:



نمودار ۳: اخلاق و هنر لازمه درک معماری اسلامی «طرح و ترسیم: نگارندگان»

معماری و هنر اسلامی به پیروی از قرآن با دید الهی و معنوی همه چیز را زینت می‌داند تا این شرافت بخشی به ماده را تکمیل کند:

«إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا»

در حقیقت آنچه را که بر زمین است زیوری برای آن قرار دادیم. (کهف: ۷)

یادداشت‌ها

- ^۱ برگرفته از: این بیت، جزء معدود اشعار عرفانی سعدی است. مرحوم آیت‌الله قاضی طباطبایی، استاد عرفان علامه طباطبایی، از بین مجموع غزلیات سعدی این غزل را دارای مبنای عرفانی دانسته‌اند (برای کسب اطلاع بیشتر رجوع کنید به: مطهری، ۱۳۶۲، ص ۱۳۵).
- ^۲ اشاره به آیه ۱۶۲ سوره انعام که می‌فرماید: «بگو در حقیقت نماز من و (سایر) عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است».
- ^۳ اشاره به آیه ۱۵۵ سوره بقره که می‌فرماید: «همه از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم».
- ^۴ بورکهارت در سفر به کشورهای اسلامی در دهه ۱۹۳۰ چند سالی به مراکش می‌رود و با بزرگان میراث معنوی آن سرزمین باب مرآده و دوستی می‌گشاید که بر شناخت او از اسلام تأثیر عمیقی به جای می‌گذارد، به طوری که بسیاری از آثار او که در سال‌های بعد تهیه شد چون ترجمه و تفسیر فصوص الحکم محی‌الدین ابن عربی (۱۹۷۵) و ترجمه منتخب انسان الکامل عبدالکریم جبلی (۱۹۸۳) و تالیفات عمده در زمینه هنر از جمله: هنر مقدس، آینه خرد، رمزپردازی و همچنین تألیف دو اثر مهم تصوف: مقدمه‌ای بر اصول عرفانی اسلام و نیز کیمیا: علم عالم، علم نفس حاصل این دوران است (برگرفته از محسن سرتیپی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۹۱-۱۰۰).
- ^۵ برگرفته از مجموعه سخنرانی‌های دومین همایش هفته جهانی مساجد، حسین کریمیان و سیده سعیدی، ص ۲۱۵. لینک دسترسی: <http://ganj.irandoc.ac.ir/articles/329915>، کد نوشتار: 106638

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- احمدی. فریال، صادقی. علی‌رضا، (۱۳۸۹)، «بررسی مفهوم هویت در معماری قدسی»، کتاب ماه هنر، شماره ۴۸، ۱۱۱-۱۰۶.
- اردلان، نادر، بختیار، لاله، (۱۳۸۰)، *حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی*، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان، انتشارات خاک.
- اعوانی، غلامرضا، (۱۳۷۵)، *حکمت و هنر معنوی*، تهران: انتشارات گروس.
- اسلامی، سید غلامرضا، (۱۳۹۲)، *مبانی نظری معماری*، تهران، موسسه علم معمار.
- افلاطون، (۱۳۳۷)، *جمهور*، ترجمه فؤاد روحانی، تهران، ترجمه و نشر کتاب.
- اکبری، رضا، (۱۳۸۴)، «ارتباط وجودشناسی و زیبایی‌شناسی در فلسفه ملاصدرا»، *فصلنامه پژوهش‌های فلسفی-کلامی*، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۰۲-۸۸.
- انصاری، خواجه عبدالله، (۱۳۴۴)، *کشف الاسرار و عده الابرار*، به اهتمام علی‌اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- آیوازیان، سیمون، (۱۳۷۶)، «حفظ ارزش‌های معماری سنتی در معماری معاصر ایران»، *مجله دانشکده هنرهای زیبا*، شماره ۲، دانشگاه تهران.

- بمانیان. محمدرضا، پورجعفر. محمدرضا، احمدی. فریال، صادقی. علیرضا، (۱۳۸۹)، «بازخوانی هویت معنوی و انگاره‌های قدسی در مساجد شیعی»، نشریه شیعه‌شناسی، شماره ۳۱.
- بورکهارت، تیتوس، (۱۳۴۷)، *مداخلی بر اصول و روش هنر دینی*، مجموعه مقالات هنر معنوی، تهران: مطالعات دینی هنر.
- -----، (۱۳۷۲)، *نظری بر اصول و فلسفه هنر اسلامی*، ترجمه دکتر غلامرضا اعوانی، از مجموعه مبانی هنر معنوی، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- پورمند. حسنعلی، بمانیان. محمدرضا، مهدی‌نژاد. محمدجواد، صمدزاده. سپیده، (۱۳۹۴)، «بررسی نمود ارزش‌های اخلاقی در معماری سنتی شهرهای کویری ایران: نمونه موردی شهر یزد، جامعه‌پژوهی فرهنگی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم، صص ۵۹-۸۸.
- جعفری، [علامه] محمدتقی، (۱۳۶۹)، «زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام»، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر، صص ۱۳-۱۶.
- حق‌طلب. طاهره، کاروان. فرهاد، (۱۳۹۱)، «مسجد، تجلی‌گاه معماری قدسی»، نشریه هفت حصار، شماره اول، صص ۲۸-۲۱.
- خاتمی، محمود، (۱۳۹۰)، *پیش‌درآمد فلسفه‌ای برای هنر ایرانی*، ویرایش فنی عباس رکنی، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متین.
- خزایی، محمد، (۱۳۸۰)، «نقش شیر امام علی (ع)»، کتاب ماه هنر، شماره ۳۱-۳۲، فروردین و اردیبهشت، صص ۳۹-۳۷.
- خمینی، [امام] روح‌الله، (۱۳۶۱)، صحیفه نور، تهران، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی،
- دوری، کارل. جی، (۱۳۶۸)، *هنر اسلامی*، ترجمه رضا بصیری، تهران، انتشارات یساوولی- فرهنگسرا، چاپ دوم.
- رهنورد، زهرا، (۱۳۸۴)، *حکمت هنر اسلامی*، تهران: انتشارات سمت.
- رید، هربرت، (۱۳۵۱)، *معنی هنر*، ترجمه نجف دریا بندی، تهران، کتاب‌های جیبی.
- سادات، محمدعلی، (۱۳۸۲)، *اخلاق اسلامی*، تهران: نشر سمت.
- سجادی، سید جعفر، (۱۳۷۰)، *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*، تهران، انتشارات طهوری.
- سرتیپی‌پور، محسن، (۱۳۸۷)، «بن مایه‌های هنر اسلامی در اندیشه تیتوس بورکهارت»، نشریه صفه، دوره ۱۷، شماره ۴۶، ۱۰۰-۹۱.
- سعیدیان. امین، قلی. مجتبی، زمانی. احسان، انصاری. مجتبی، (۱۳۹۰)، «بازشناخت چگونگی شکل‌گیری گنبد اورچین با تأکید بر ساختار و معماری»، فصل‌نامه مطالعات شهر ایرانی، شماره ۵، ۶۵-۴۷.

- شریعتی، علی، (۱۳۵۹)، **تاریخ و شناخت ادیان**، جلد دوم، تهران: دفتر تدوین مجموعه آثار دکتر علی شریعتی.
- -----، (۱۳۸۵)، **چهار زندان**، تهران: انتشارات قلم.
- شکاری نیز، جواد، (۱۳۷۸)، «تیین ویژگی‌های معماری و خصوصیات کالبدی و هنر قدسی مساجد دوران اسلامی»، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد گذشته، حال، آینده، تهران: دانشگاه هنر.
- فاضلی. نعمت‌الله، (۱۳۸۷)، «مسجد و مدرنیت: مروری تحلیلی و جامعه‌شناختی به گفتمان‌های مسجد در ایران»، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی.
- فرشید نیک، فرزانه، افهمی، رضا، آیت‌اللهی، حبیب‌الله، (۱۳۸۸)، «نشانه شناسی قالبی محرابی: بازتاب معماری مسجد در نقش فرش»، فصل‌نامه علمی پژوهشی انجمن علمی فرش ایران؛ شماره ۱۴.
- کاظم پور، زینب، اکبری، علی، (۱۳۹۲)، «ظهور مجدد گنبد در معماری ایران پس از اسلام و تجلی باورهای اعتقادی و مفاهیم عرفانی در آن، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و توسعه پایدار شهری»، تبریز، ایران.
- کاظمی، سید محمد، کلانتری خیلی‌آباد، حسین، (۱۳۹۰)، «ابزارهای پیام‌رسانی معنوی در معماری مسجد با تاکید بر نقش ایدئولوژی اسلامی»، فصل‌نامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۴۶-۳۱.
- کانت، ایمانوئل، (۱۳۶۹)، **بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق**، ترجمه عنایت، تهران: نشر خوارزمی.
- گنجور، مهدی، امامی‌جمعه، سید مهدی، (۱۳۸۹)، «زیبایی‌شناسی فلسفی و تحلیل نظریه «اصالت زیبایی» در حکمت مطهر، مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام»، سال چهل و دوم، شماره پیاپی ۸۴/۲، صص ۱۴۶ - ۱۲۵.
- لاهیجی، محمد، (۱۳۳۷)، **مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز**، به کوشش کیوان سمیعی، تهران: انتشارات محمودی، ص ۵.
- محمد شیرازی، صدرالدین (ملاصدرا)، (۱۳۵۴)، **المبدأ والمعاد**، تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- -----، (۱۳۷۵)، **الشواهد الربوبیه**، ترجمه و تفسیر جواد مصلح، تهران: انتشارات سروش.
- -----، (۱۴۱۰)، **الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه**، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱.
- محمدیان منصور، صاحب، ۱۳۸۶، «سلسله‌مراتب محرمیت در مساجد ایرانی»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹، صص ۶۸-۵۹.
- مددیپور، محمد، (۱۳۸۷)، **تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی**، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۶)، *فلسفه اخلاق*، تهران: نشر صدرا.
- -----، ۱۳۹۱، *مجموعه آثار*، جلد ۳، انتشارات صدرا.
- مک‌این‌تایر، السدیر، (۱۳۷۹)، *تاریخچه فلسفه اخلاق*، ترجمه رحمتی، تهران: نشر حکمت.
- مهدوی نژاد، محمدجواد، مشایخی. محمد، (۱۳۸۹)، «بایسته‌های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی-اجتماعی، نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر»، شماره ۵.
- موسوی، سیدیا سر، (۱۳۹۲)، «معماری قدسی و هنر معنوی»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۸، صص ۷۰-۶۶.
- ندیمی، هادی، (۱۳۷۸)، *حقیقت‌نقش*، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- نصر، سید حسین، (۱۳۸۱)، *معرفت و معنویت*، ترجمه انشا... رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سپهروردی.
- -----، (۱۳۸۰)، *معرفت و امر قدسی*، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- -----، (۱۳۷۶)، *صدرای شیراز در تاریخ و فلسفه اسلامی*، به کوشش محمد شریف، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نظیف. حسن، (۱۳۹۲)، «پایداری اندام‌های ایرانی در گذار از دوران اسلامی»، فصل‌نامه هنر و معماری باغ نظر، شماره ۲۴.
- هاشم‌نژاد. حسین، نعمتی. سیدجواد، (۱۳۹۰)، «زیبایی‌شناسی در فلسفه صدرالمتألهین»، نشریه فلسفه، سال ۳۹، شماره ۲، صص ۱۶۱-۱۳۷.
- Budd.Malcolm. (2008).The Aesthetics.in The Routledge EncyclopediaEditd by Bery Gaut and Dominic Goldman.Mclver Lopes.
- Goldman Alan.(2008).The Aesthetic in: The routledge companion to Aesthetic.Edited by Bery Gaut and Dominic Mclver Lopes.
- langfeld. H.S The Aestheti Attitude. (1920). New york.